

انعطاف در شرایط صدور گاز ایران به ترکیه

طبق اعلام وزارت نفت، صدور گاز طبیعی ایران به ترکیه پس از مدتی وقفه، از سر گرفته می شود. پس از آنکه مسئولان ترکیه گاز صادراتی ایران را فاقد کیفیت لازم اعلام و از خرید آن خودداری کردند، مهندس زنگنه وزیر نفت ایران، پس از مذاکرات بسیار طولانی با طرفهای ترک، اعلام کرد که صدور گاز با انعطاف هائی از سوی ایران از سر گرفته می شود. ولی در هیچ یک از بیانیتهای از نوع انعطاف صورت گرفته سخنی به میان نیامد و هیچگونه اطلاعی در این زمینه منتشر نگردید که "انعطاف" انجام گرفته به چه صورت و در چه جهتی بوده و آیا در این امر منافع ملی ایران لحاظ گردیده است یا خیر؟ گفته می شود که "انعطاف" صورت گرفته عبارتست از دادن تخفیف مجدد در مواد بهای فروش گاز؟!

پلمپ دفتر مرکز پژوهشها و نظر سنجی وزارت ارشاد

به دنبال اعلام یک نظر سنجی انجام شده در مورد برقراری روابط سیاسی آمریکا که گویا ۷۴ درصد از شرکت کنندگان در نظر سنجی، علیرغم داشتن انتقادات متعدد از سیاست های آمریکا و بی اعتمادی به دولت آن کشور، موافق برقراری رابطه سیاسی با آن کشور بوده اند. جنجال سیاسی تازه ای در کشور برپا گشت. مرکز پژوهشها و نظر سنجی وزارت ارشاد پلمپ شد و مدیران آن و هم چنین مدیر ایرنا (خبرگزاری جمهوری اسلامی) به دادگاه ۱۴۱۰ احضار شدند. جناح راست این نظر سنجی را نظر سازی اعلام و نسبت به انتشار آن به شدت انتقاد کرد و با نظر سنجی مشابهی که در روزنامه های وابسته به آن جناح منشر گردید، عکس نتیجه نظر سنجی پیشین را اعلام کرد! در راهپیمایی روز آدینه ۱۹ مهرماه ۱۳۸۱، نیز ضمن انتقاد از مصوبه کنگره آمریکا در مورد به رسمیت شناختن بیت المقدس بعنوان پایتخت اسرائیل، حمله اصلی تظاهرات متوجه جناح مقابل، که آنها را طرفدار رابطه می نامیدند گردید. وقتی سیاست خارجی یک کشور، نه بر مبنای منافع ملی بلکه بر اساس زنده باد و مرده باد خیابانی تعیین شود، هر کس حق خواهد داشت نظر خودش را کل ملت و مبتنی بر مصلحت کشور بداند و بر اجرای آن

علل فقر رسانه های نوشتاری

آقای سید محمد خاتمی در آغاز سال تحصیلی از اینکه در کشور ما با بیش از ۶۰ میلیون نفر جمعیت و ۲۰ میلیون دانش آموز و دانشجو، تیراژ متوسط کتاب کمتر از ۳۰۰۰ نسخه است اظهار تأسف کرده اند.

البته وقتی فاجعه می تواند عمیق تر باشد که توجه کنیم که همین کمتر از ۳۰۰۰ نسخه از هر کتاب هم کاملاً بفروش نمی رود و قضیه تألیف یا خرید و فروش کیلویی کتاب در جلوی دانشگاه هم تأییدی بر همین امر است و بطور کلی استفاده سرانه رسانه های چاپی اعم از کتاب و نشریات، در کشور ما در ردیف پایین ترین درصد کشورهای جهان سوم قرار دارد. طبیعی است این پرسش پیش می آید که ملتی با فرهنگ و پیشینه تاریخی چند هزار ساله که قدرت آثاری چون شاهنامه در آنها به بیش از هزار سال می رسد. چرا چنین فقر استفاده از رسانه های چاپی گرفتار شده است؟ پاسخ کاملاً روشن است، یک ملت با فرهنگ و وقت خود را صرف خواندن کتابها و نشریاتی می کند که به او آگاهی درست تری بدهد. او کتاب و نشریه را عادتاً نمی خواند بلکه آگاهانه می خواند. سقوط تیراژ روزنامه ها پس از تعطیل و توقیف فله ای آنها در آغاز سال ۱۳۷۹ و تغییر روال و پیش گرفتن رویه محافظه کاری روزنامه های باقیمانده نشان از همین آگاهی دارد.

به تیراژ یک میلیون نسخه ای پاره ای از روزنامه ها در روزهای آغازین پس از انقلاب در ۲۳ سال پیش بنگریم و به فاجعه فروش کیلویی کتاب و آگهی های فروش روزنامه های برگشتی که در انبارهای عظیم در حال پوسیدن است و ببینیم که سانسور و سلطه قدرت بر فرهنگ بر رسانه های چاپی ما چه آورده است.

بازتابهای اعدام مجرمان در دید همگان

اعدام پنج مجرم که یک شبکه تبهکاری و شرارت تشکیل داده بودند و در موارد متعددی مرتکب آدم ربایی و تجاوز به عتف شده بودند، در ملاء عام بازتاب گسترده ای در مطبوعات داخلی و خارجی داشت.

مطبوعات و رادیو و تلویزیون های خارجی به ویژه رسانه های فارسی زبان خارجی تلاش در بهره برداری از این ماجرا کردند و با چاپ و نمایش مکرر اجساد آویزان شده از جرنقیل ها به این ماجرای قضایی ابعاد سیاسی دادند. بویژه آنکه، مجرمان را با سر و صورت و ریش اصلاح شده (برخلاف شکلی که در هنگام بازداشت داشته اند) بدار کشیدند و مردم را به تماشای آن دعوت کردند. این امر بیشتر بهانه بدست رسانه های خارجی داد تا اعلام کنند که این مجرمان در شرایط عادلانه محاکمه نشده اند و جمهوری اسلامی از این عمل قصد ارباب و ترساندن مردم و جوانان را داشته است.

متأسفانه مقامات تصمیم گیرنده قوه قضائیه ایران هنوز قانع نشده اند که عصر مجازاتهایی مثل اعدام و شلاق زدن در دید همگان سپری شده است و این اعمال بیشتر از اینکه بازدارنده جرم باشد موجب همدردی و دلسوزی برای مجرمان می شود و در مجموع از نظر روانشناسی اجتماعی نتیجه عکس بیار می آورد.

چرا در ۲۳ سال گذشته مجسمه های فردوسی، ابوعلی سینا، قائم مقام فراهانی و امیر کبیر بت و مظهر دشمنان نبود

توسعه: حجت الاسلام محمدباقر ذاکری، نماینده مردم قوچان در مجلس در واکنش به سخنان اخیر احمد جنتی به خبرنگار توسعه گفت: "تاریخ و نمادهای آن امانتی است در دست ما و به مصلحتمان است که آنها را به بهترین شکل ممکن حفظ کنیم."

ذاکری افزود: هر کشوری هویت ملی تاریخی دارد که باید در کنار ایدئولوژی و مذهب آن را حفظ کند. این دو پدیده اصلا منافات و تناقضی باهم ندارند و میتوان در عین مذهبی بودن ملی نیز بود.

وی تصریح کرد: "نه ما طالبان هستیم و نه اسلام دین متحجر و عقب مانده ای است که طالبان معرفی میگرد. به نظر من افراد و شخصیت های کشورمان باید قدری سنجیده تر یا مسایل اینچنینی برخورد کنند و در مورد آن صحبت کنند تا مبادا به حیثیت نظام جمهوری اسلامی در سطح بین الملل لطمه وارد شود."

نماینده قوچان از مخالفان ساخت مجسمه، پرسید: این حضرات که این قدر به فکر حفظ ارزش های اسلامی هستند، چرا در ۲۳ سال گذشته مجسمه های فردوسی، ابوعلی سینا، قائم مقام فراهانی و امیر کبیر بت و مظهر دشمنان نبود؟ فردوسی که خالق کاوه آهنگر است. اگر کاوه پایگاه ضدانقلاب میباشد، پس چرا فردوسی را نماد ملی مذهبی لازم الحفظ مینامند؟

آقای ذاکری باین نکته اشاره نداشته اند که شماری از بر قدرت نشستگان اگر از خشم مردم نمی هراسیدند، تاکنون موجبات نابودی شمار فراوانی از نمادهای تاریخ و فرهنگ پربار این سرزمین را فراهم ساخته بودند. چنانچه بایستی توجهی و بهاندادن به میراث فرهنگ ملی دوران بعد از انقلاب، تاکنون لطمه های ویرانگری بر این آثار وارد گشته و این روند نظیر فاجعه "جیرفت" همچنان ادامه دارد.

دفتر تحکیم وحدت نوزاده شده

دفتر تحکیم وحدت که کنفدراسیون انجمن های اسلامی دانشگاهها می باشد، در سالهای بعد از انقلاب با تعطیل دانشگاهها و انقلاب فرهنگی به قدرت مطلقه آموزش عالی در کشور تبدیل شد. این دفتر در دهه دوم انقلاب به حاشیه رانده شد و پس از دوم خرداد برای بار مجدد در کنار اصلاح طلبان به صحنه آمد. اگر چه در طول دو دهه گذشته اعضای دفتر تحکیم وحدت به دلیل تغییرات دوره ای دانشجویان دانشگاهها تغییرات کلی یافته اند، ولی این دفتر در غیاب احزاب سیاسی عملاً مانند بسیاری از نهادهای صنفی دیگر مثل جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جامعه اسلامی دانشجویان، انجمن اسلامی بازاریان و اصناف، به یک حزب سیاسی تبدیل شده است و انشاق دو گانه محافظه کار و اصلاح طلب در این نهاد نیز راه یافته است. در نتیجه بخشی از این دفتر با نشستی در شیراز و بخشی دیگر در دانشگاه علامه طباطبائی اعلام حقانیت کردند و هر دو خود را دفتر تحکیم وحدت نامیدند. منتخبین نشست شیراز بلافاصله مورد حمایت جناح راست و مقامات منتسب به این جناح قرار گرفتند و منتخبین دانشگاه علامه طباطبائی نیز به نقد حاکمیت پرداختند.

طبق نظر سنجی انجام شده توسط وزارت علوم، طرفداران منتخبین شیراز ۲۷۵ درصد و طرفداران منتخبین دانشگاه علامه ۹۰ درصد و ۶۷۵ درصد هم بی طرف هستند ولی با این حال به دلیل حمایت قدرتهای خارج از دانشگاه، وزارت مذکور نتوانست دفتر تحکیم وحدت واقعی را اعلام کند، ضمن آنکه دانشجویان اصولاً معتقد به دخالت وزارت علوم در یک امر دانشجویی نبوده و نیستند.

اقدام خطرناک حاکمیت در ایجاد شکاف در دفتر تحکیم وحدت بعید به نظر می رسد نتایج مثبتی به بار آورد و بدون شک با باز گشایی دانشگاهها باید در انتظار بروز تنش های شدید در مراکز آموزش عالی کشور بود.

اعتراف مسعود ده نمکی

مسعود ده نمکی مدیر نشریه هایی مانند شلمچه که مواضع تند او کاملاً شناخته شده است، و هدایت گروه های موسوم به حزب الله و لباس شخصی ها را بر عهده دارد، در یک مصاحبه طولانی با روزنامه همشهری اعترافات جالبی را به زبان آورده است. از جمله اینکه برای انتقاد از حزب الله (و باصطلاح نشان دادن فضای دموکراتیک) مبلغ قابل توجهی پرداخت می کرده است! و هم چنین پس از اعلام نتایج انتخابات مجلس ششم که او آنرا از دست رفتن مجلس می نامد، پیشنهاد کرده بود که باید روزنامه های آنها (گروه های برنده انتخابات) بسته شود و ده پانزده نفر از آنها بازداشت شوند و نیروی انتظامی (لابد برای تشبیه رای دهندگان) به امر بمعروف و نهی از منکر پردازد. و از عجایب اینکه همانگونه که مشاهده شد چند ماه پس از انتخابات و دوره پس از ترور سعید حجازیان، تمام پیشنهادهای او به اجرا درآمد!